

11/10/77
11/10/77

11/10/77

11/10/77

۸۷،۱،۱۰۸۲۹۲
۸۸،۱،۱۲۵



پایان نامه کارشناسی ارشد طراحی شهری
دانشکده معماری و شهرسازی
دانشگاه شهید بهشتی

مدیریت زمان در شهرهای جدید

دانشجو: سحر قاسمیان

استاد راهنما: دکتر کامران ذکاوت
استاد مشاور: دکتر جهانشاه پاکزاد

زمستان ۱۳۸۷

کتابخانه

۲۲۸۸ / ۱ / ۲۱

۱۱۱۰۴۲

با تشکر و سپاس از اساتید محترم که در طی این سال‌ها درس‌های فراوانی را
به من آموختند و دنیای بزرگتری از دانش و زندگی را پیش پشمانم
گستراندند.

تلاش فواهم کرد تا بتوانم همواره رهروی خوب این
راهی باشم که شما پیش روی من نهادید.

با تشکر از پدر و مادر مهربان و بزرگواری که همواره با آغوش گرمشان در تمام لمظات پذیرای من بودند و با آرامش مرا هدایت کردند.

و با سپاس و قدردانی از پگاه و سایه عزیزه که با انجام کوچکترین کارها، بزرگترین محبت‌ها را در محاسبات من نمودند.

تلاش خواهم کرد تا بتوانم محبت‌های شما را فراموش نکرده و رهنمودهای شما را فرا راه زندگی‌ام قرار دهم.

همچنین تشکر و سپاس از دوستان عزیزم که برای من هم دوست بودند، هم همکار، هم همکلاسی

و هم گروهی.... با هم بودن را در کنار آنها تجربه کردم: فرزاد و شمیم عزیز

و تقدیم به همسر عزیزم که در بهار زندگی مشترکمان، انرژی بخش تمام
لحظاتم بوده و من را همواره به سوی اهدافم سوق می‌داد.

اینجا شهری است که نکته به نکته‌اش در فاطر آدمی جای می‌گیرد: ترتیب فیابان‌ها، فانه‌های دو سوی کوچه‌ها، درها و پنجره‌ها همه به یاد سپرده می‌شوند، متی اگر هیچ یک از آنها زیبایی یا ویژگی نادری بروز نکنند.

هرکس می‌تواند به میل فود چیزهایی را که می‌خواهد به فاطر بسپارد در فانه‌های آن جای دهد... بین هر مفهوم و هر نقطه از مسیر می‌توان همگونی یا تضادی برقرار کرد به گونه‌ای که در دم فاطره‌ای برانگیزد. بدین گونه داناترین مردان جهان کسانی هستند که این شهر را در ذهن فود از بردارند... اما از آنجاییکه این شهر می‌بایست برای بهتر زنده ماندن در فاطره‌ها، بی‌تمرک و ثابت باقی بماند، به تدریج تملیل رفت، از هم پاشید و ناپدید شد.

ایتالو کالوینو، شهرهای نامرئی

پس این شهرهای جدید ما چه جایگاهی در مقابل چنین شهرهایی دارند... اینها به دلیل نداشتن فاطرات تملیل رفته و مرده‌اند، آنها به دلیل تلاش برای زنده ماندن به فاطرات



مشخصات دانشجو:

شماره دانشجویی: ۱۹۲۱۱۶۴۵۴۲	نام و نام خانوادگی: سحر قاسمیان
تاریخ ورود به دانشگاه: مهر ماه ۸۴	گرایش: برنامه ریزی شهری و منطقه‌ای <input type="checkbox"/> طراحی شهری <input checked="" type="checkbox"/>

پایان نامه نهایی پیشنهادی:

عنوان: مدیریت زمان در شهر های جدید

چکیده فضای شهری بستری است که حیات مدنی در آن جریان دارد، واقعه ها و حادثه ها رخ می دهند و خاطرات شکل می گیرند. هنگامی که واقعه یا حادثه پایان می پذیرد، آنچه در ذهن باقی می ماند فضایی است که واقعه یا حادثه در آن رخ داده است. از آن پس آن مکان به واسطه آن وقایع به یاد آورده می شود و آن مکان ها، تبدیل به مکان انباشت خاطره های جمعی شهروندان خود شده و ماندگار می شوند. در میان این وقایع انسان ها گذشته خود را به یاد آورده و آینده خود را متصور می شوند. در حقیقت زندگی و رویداد های زندگی است که به زمان معنا می بخشد. گذشت زمان کیفیتی را ایجاد می کند که باعث شکل گیری معنا در مکان شده و آن مکان بوی آشنایی می گیرد. این مکان ها بایستی در رویارویی افراد با مکان اتمسفر یا جو خود را بر بیننده آشکار سازند، یعنی همان کیفیتی که به آن روح مکان گفته می شود. مجموع این کیفیت ها عامل ایجاد پیوند بین ساکنین و بین ساکنین و محیط می شود. در اثر ایجاد این پیوند هویت، حس تعلق و در نتیجه احساس امنیت و این همانی با محیط ایجاد می گردد.

حال در فضایی که نه گذشته ای دارد و نه حالی، سیر خطی زمان آن از بین رفته و کنتور زمان از صفر خورده است. در شهرهای جدید این موضوع مطرح می شود که نه شهری وجود دارد و نه شهروندی. افرادی با خاطرات، گذشته و احساس تعلق به مکان های مختلف دیگر، حال یا به اجبار یا به انتخاب خود به چنین فضایی روی آورده اند. این مردم چگونه باید بتوانند با یکدیگر تجربه مشترکی را شکل داده و هم خود تبدیل به شهروندی شوند که نسبت به آن مکان احساس تعلق دارند و هم آن فضا تبدیل به یک مکان با هویت گردد. چگونگی ایجاد فرصت برای تجربه و شکل گیری آینده مشترک موضوع مهمی است که امروزه بدان توجهی مبذول نگشته است. شکل دادن به تصورات مردم مختلفی که آمده اند تا در یک مکان جدید گرد هم بیایند، و بتوانند ادعا کنند که اهل این شهر هستند، موضوع مدیریت زمان را در توسعه های جدید مطرح می کند. در این رابطه گرچه مداخلات گروه های مختلف و مسئولین مختلف مطرح می شود ولی آنچه در اینجا مد نظر است مداخلات طراحانه کالبدی ای است که در حیطه کار طراحی شهری می باشد مداخلاتی که به دنبال ایجاد حس مکان و تعلق خاطر می باشند. و آنچه به مدیریت زمانی این پروژه ها برمی گردد، مدیریت بازه زمانی ای است که مهاجر با محیط جدید پیوند برقرار کرده و در این محیط ماندگار می گردد. اهمیت این موضوع علی الخصوص در اولین دوره سکونت در فازهای جدید بوده که مورد نظر این مطالعه می باشد. بنابراین می توان گفت که هدف این مطالعه کوتاه کردن بازه زمانی غریب بودن تازه واردین با شهر جدید و شهر جدید با زندگی انسان هاست.

• فصل اول : طرح مسأله

- ۱-۱) طرح مسأله ۲
- ۱-۲) ضرورت مطالعه ۳
- ۱-۳) اهداف مطالعه ۵
- ۱-۴) ساختار مطالعه ۵

• فصل دوم : زمان

- ۲-۱) زمان و انسان ۱۰
- ۲-۱-۱) ادراک انسان از زمان ۱۰
- ۲-۱-۲) عادت های زمانی انسان ۱۱
- ۲-۱-۳) خطی بودن زمان ۱۱
- ۲-۲) زمان و محیط ۱۳
- ۲-۳) مدیریت زمان ۱۵
- ۲-۳-۱) جنبه های متعدد مدیریت زمان ۱۵
- ۲-۳-۲) انواع محیط های شهری بر مبنای لایه های زمانی شکل گیری محیط ۱۶
- ۲-۳-۳) ویژگی مشترک انسان ها در رویارویی با شهرهای جدید ۱۷
- ۲-۳-۴) تغییر ۱۸

• فصل سوم : انسان

- ۳-۱) تغییرات کمی انسان در طول زمان ۲۰
- ۳-۲) تغییرات کیفی انسان در طول زمان ۲۲
- ۳-۲-۱) شکل گیری عادت ها در طول زمان ۲۲
- ۳-۲-۲) شکل گیری ذهنیت ۲۵
- ۳-۲-۳) رابطه گذشت زمان و شکل گیری شخصیت ۳۰
- ۳-۲-۴) شکل گیری خاطرات در گذر زمان ۳۲

• فصل چهارم : محیط

- ۴-۱) شناسایی اجزاء محیط ۳۶
- ۴-۲) انواع تغییرات محیط در طول زمان ۳۸
- ۴-۲-۱) تغییرات محیط در طول زمان ۳۹
- ۴-۳) رابطه انسان و محیط ۴۳
- ۴-۳-۱) رابطه چیست؟ ۴۳
- ۴-۳-۲) انواع رابطه از نظر طول زمانی ۴۵
- ۴-۳-۳) متغیرها ۴۶

• فصل پنجم : شهرهای جدید

- ۵-۱) اهداف اولیه تاسیس شهرهای جدید ۴۹
- ۵-۱-۱) چگونگی شکل گیری شهرهای جدید ۴۹
- ۵-۱-۲) محیط اجتماعی شهرهای جدید ۵۰
- ۵-۲) مشکلات شهرهای جدید: شهر جدید به عنوان یک شهر بی پیشینه ۵۲

۵۳-۵ عوامل موثر بر ایجاد یک محیط غریب ۵۴

• فصل ششم: رابطه انسان و محیط غریب در طول زمان

۶-۱ شکل‌گیری رابطه اولیه ۵۷

۶-۱-۱ تجربه محیط ۵۸

۶-۱-۲ باز شناسی ۶۰

۶-۱-۳ شکل‌گیری احساسات در طول زمان ۶۳

۶-۱-۴ رفتار ۶۴

۶-۲ شکل‌گیری رابطه بلندمدت ۶۸

۶-۲-۱ تداعی و شکل‌گیری خاطرات ۶۸

۶-۲-۲ ایجاد حس تعلق ۷۳

۶-۲-۳ معنی بخشی به محیط ۸۱

۶-۲-۴ محیط آشنا ۸۳

• فصل هفتم: طراحی شهری و مدیریت زمان

۷-۱ طراحی شهری و زمان ۸۸

۷-۲ تعیین سطح مداخله مورد پژوهش ۹۱

۷-۳ کیفیت‌های طراحی شهری برای یک محیط مطلوب ۹۴

۷-۴ تجارب دیگر مرتبط با موضوع ۹۹

۷-۴-۱ شهر جدید اندیشه - تهران ۹۹

۷-۴-۲ شهرک فردیس - کرج ۱۰۶

۷-۴-۳ شهر جدید پولاد شهر اصفهان ۱۱۰

۷-۴-۴ شهر جدید آلمر - هلند ۱۱۷

• فصل هشتم: هدف‌گذاری

۸-۱ تدقیق مساله ۱۲۱

۸-۲ اهداف ماهوی ۱۲۶

۸-۳ اهداف رویه‌ای ۱۵۶

• فصل نهم: راهنمای طراحی شهری

۹-۱ ساختار سند راهنمای طراحی شهری ۱۶۲

۹-۱-۱ اسناد هدایت طراحی شهری ۱۶۲

۹-۱-۲ ماهیت سند راهنمای طراحی شهری ۱۶۳

۹-۱-۳ اجزای سند راهنمای طراحی شهری ۱۶۴

۹-۲ راهنمای طراحی شهری برای مدیریت زمان در محلات مسکونی شهرهای جدید ۱۶۶

۹-۲-۱ سازمان کالبدی ۱۶۶

۹-۲-۲ سازمان فضایی - ادراکی ۱۷۱

۹-۲-۳ سازمان بصری ۱۷۴

۹-۲-۴ عرصه عمومی ۱۷۷

۹-۲-۵ سازمان کاربری و فعالیتی ۱۸۲

❏ فصل اول : طرح مسأله

- طرح مسأله
- ضرورت مطالعه
- اهداف مطالعه
- ساختار مطالعه

(۱-۱) طرح مساله

در دنیای امروز که آهنگ تغییرات زندگی پر شتاب است و بر تمام جنبه های زندگی ما نفوذ کرده و باعث تغییر سریع نیازهای ما و ضعیف شدن ساختار اجتماعی ما شده است، رابطه ی انسان با محیط فیزیکی هم ناپایدار گشته و احساس تعلق خاطر افراد به مکان، شهر و به خانه شان از بین رفته است. انسان ها دیگر به راحتی از تعلقات مکانی خود دل کنده و برای هماهنگ شدن با سرعت زندگی، خاطرات خود را فراموش می کنند. از طرفی انسان هم به عنوان یک موجود زنده ظرفیت محدودی برای پذیرش این تغییرات دارد و به ناچار این ظرفیت شکسته می شود و پدیده ای رخ می دهد که "آلوین تافلر" نام آنرا "شوک آینده" گذاشته است. این شوک در شرایطی پیش می آید که بشر دچار "عارضه یا بیماری تغییر" شده باشد. بسیاری از این تغییرات گریزنا پذیرند و انسان نمیتواند گذشته خود را حفظ کند، ولی پاره ای دیگر افسار گریخته و هدایت نشده اند. تند شدن آهنگ جابه جایی، سفر، مهاجرت و تحرک زیاد دیگر فرصتی برای برقراری رابطه ی پایدار با افراد و اشیاء و مکان ها باقی نمی گذارد و آن احساس تعهد به پایداری و وفاداری و آن توان ریشه دواندن و دلبسته شدن رو به ضعف می گذارد (تافلر، هشت: ۱۳۷۴).

در رابطه انسان و محیط هم فرآیندهای متنوعی در جریان هستند و برای اینکه بتوانیم تمام این فرآیندها را با یکدیگر مقایسه کنیم به معیارهای زمان احتیاج داریم. بدون زمان، تغییر هیچ معنایی پیدا نمیکند و بدون تغییر هم زمان از حرکت باز می ماند.

یکی از تاثیرات نامطلوب این تغییرات بر زندگی انسان ها، قطع شدن رابطه انسان و محیط سکونتش برای مدتی هر چند کوتاه است. هر چند که ممکن است این مدت زمان بسیار کوتاه باشد، ولی باز هم برای انسان ها دشوار خواهد بود. تغییر مکان سکونت یکی از بزرگترین عوامل این قطع ارتباط است. حال چنانچه این مکان جدید هویتی غنی را در خود داشته باشد، تاثیرات این تغییر محدودتر و کوتاه مدت تر خواهد بود. ولی چنانچه خود این محیط از مشکلی چون بی پیشینگی و فقدان هویت رنج ببرد، بر انسان تاثیراتش چند برابر است. یکی از نمونه این مکان ها، شهرهای جدید - منظور از شهرهای جدید، شهرهایی است که از ابتدا به صورت یکپارچه طراحی می شوند - هستند.

اهمیت موضوع ارتباط برقرار کردن انسان با شهرهای جدید در این است که چرخه زمان در این بین مخدوش شده و "زنجیره بین گذشته و آینده منقطع و گسسته است." در اینجا در واقع انسان‌هایی که همه دارای گذشته‌های متعدد و متفاوتی هستند، با فضایی روبرو شده‌اند که بدون گذشته است و تنها رو به آینده دارد. انسان هم در رویارویی با چنین محیطی دچار سردرگمی و آشفتگی می‌شود. چون بعد از دل‌کندن از محل سکونت و تمام خاطرات و روابط اجتماعی خود پا به محیطی می‌گذارند که هنوز غبار زمان بر آن ننشسته و زندگی‌ای در آن جریان نیافته است. این ویژگی امروزه در شهرهای جدید ایران که عمدتاً بستری کالبدی هستند که قرار است جمعیتی در آن ساکن شوند، پیچیده‌تر می‌شود. چرا که نه تنها فرد با محیط غریبه است، بلکه خود محیط هم با زندگی آدم‌ها غریبه است. این غریبه بودن گاه در گذر زمان تقلیل می‌یابد و به هویتی مشترک می‌انجامد. اما در بیشتر شهرهای جدید ما این اتفاق به‌کندی یا بهتر است بگوییم به ندرت اتفاق می‌افتد.

در لحظه رویارویی فرد با این محیط‌ها ممکن است حتی درک خود فرد از زمان هم مخدوش گردد. ساکنین این شهر یا شهروندان آینده آن نیاز به گذر زمان دارند تا بتوانند با این محیط ارتباط برقرار کنند و همچنین خود این بستر کالبدی هم نیاز به زمان دارد تا تبدیل به مکان‌های زندگی شده‌ای شود که محل انباشت خاطرات ساکنین خود است.

نکته‌ای که باید در این راستا یادآور شویم، این است که شکل‌گیری این شهرها یکی از تأثیرات جانبی جوامع مدرن می‌باشد بنابراین استقبال مردم هم از این شهرها چه با رضایت یا از روی اجبار انکار ناپذیر است. تامین یک بستر مناسب برای تسریع و تسهیل این رابطه از وظایف طراحان این شهرهاست.

۱-۲) ضرورت مطالعه

برای وارد شدن به بحث، بایستی منظور خود از شهرهای جدید را مشخص کنیم. آنچه در اینجا مدنظر است شکل‌گیری شهرهای جدید در دهه‌های ۵۰ به صورت شهرهای صنعتی و شهرهای اقماری در دهه‌های ۶۰ می‌باشد. مشکلاتی که هم ضرورت این مطالعه را مطرح کرده‌اند به این دوره ارتباط پیدا می‌کنند. با افزایش روزافزون جمعیت، شهرها و به‌ویژه کلان‌شهرها با مشکلات فراوانی روبرو می‌شوند. هجوم ساکنین شهرهای کوچک و روستاهای اطراف به کلان

شهرها به دلیل بهره مندی از خدمات، شهرهای بزرگ را با مشکلاتی چون اسکان این جمعیت و پیدایش حاشیه نشینی روبرو ساخت. همه این مسائل باعث ایجاد تغییر در سیاست های دولت و پیدایش شهرهای جدید گردید. در نتیجه گروهی از این شهرهای جدید که به صورت اقماری در اطراف مادر شهرهای خود شکل گرفته اند، به مرور با مسائل و مشکلاتی خاص روبرو شدند. تنها انگیزه مردم از جذب شدن و سکونت در این شهرها تملک مسکن ارزان قیمت بود. به این سبب، مردم با این هدف و بدون در نظر گرفتن دیگر ارزشهای محیطی رو به این شهرها آوردند. اهمیت این موضوع به اندازه ای بود که حتی طراحان را هم از پرداختن به دیگر مسائل بازداشت. در نتیجه با گذشت زمان، این شهرها که از مشکلات و کمبودهای فراوانی رنج می بردند، تبدیل به خوابگاه هایی برای ساکنین خود شدند. در این وضعیت مردم به ظاهر ساکن این شهرها، دائم برای کار و رفع دیگر مایحتاج خود تبدیل به مسافرانی شدند که پیوسته بین شهر جدید و مادرشهر خود در حرکتند. در نتیجه این وابستگی شدید به مادرشهرها مردم نتوانستند پیوند عمیقی با آنها برقرار کرده و خود را شهروند این شهرها بدانند و چنانچه فرصتهای تملک بهتری برایشان مطرح شود، مستعداً ترک این محیط هستند.

گروه دیگر این شهرها که تحت عنوان شهرهای صنعتی شناخته شده اند، منشأ پیدایششان صناعی بوده که کارکنانش را در اطراف خود گرد آورده و عمدتاً به مروراز یک شهرک شرکتی به یک شهر جدید تبدیل شده اند. این شهرها که عمدتاً گذر یک نسل را از روی خود تجربه کرده اند، با مشکلات دیگری چون وابستگی شدید به صنایع منحصر به فرد خود روبرو هستند. در نتیجه خطری که آنها را تهدید می کند و کرده است، از بین رفتن یا ضعیف شدن این صنایع و از طرف دیگر تمام شدن ظرفیت محدود آن است.

در شهر جدید فرد بیش از آنکه شهروند باشد، ساکن شهر است. او به گونه ای ارادی یا غیر ارادی، از سر میل یا از روی اجبار سکونت در شهر جدید را برگزیده است. او پذیرفته که در مکانی سکنی گزیند که هیچ نشانه یا شناسه آشنایی در آنجا وجود ندارد. او پذیرفته در کنار فرد یا افرادی زندگی کند که تا امروز آنها را نمی شناخته، با روحیات آنان آشنایی نداشته و هیچ رمز و راز و استعاره و تمثیلی را آنان سراغ ندارد. او در مکانی ساکن شده است که هیچ خاطره ای از

قبل آن ندارد. شهر نیز خاطره ای از خود به یاد ندارد، چون در جایی استقرار یافته است که قبل از او فضایی بوده است باز و گسترده در دامن طبیعت بکر. این فضا با استقرار شهر به مکان تبدیل شده است بی خاطره قبلی، بی آوازه قبلی و بی هویت قبلی. پس شهر در پی اعلام هویت مکانی است و ساکن در پی اعلام هویت شهروندی، یعنی یک رابطه دو سویه (حبیبی، ۱۴۵: ۱۳۸۵). تمرکز این پژوهش، بر شناسایی مولفه های شکل دهنده این رابطه دو سویه و جنبه های طراحی آن است.

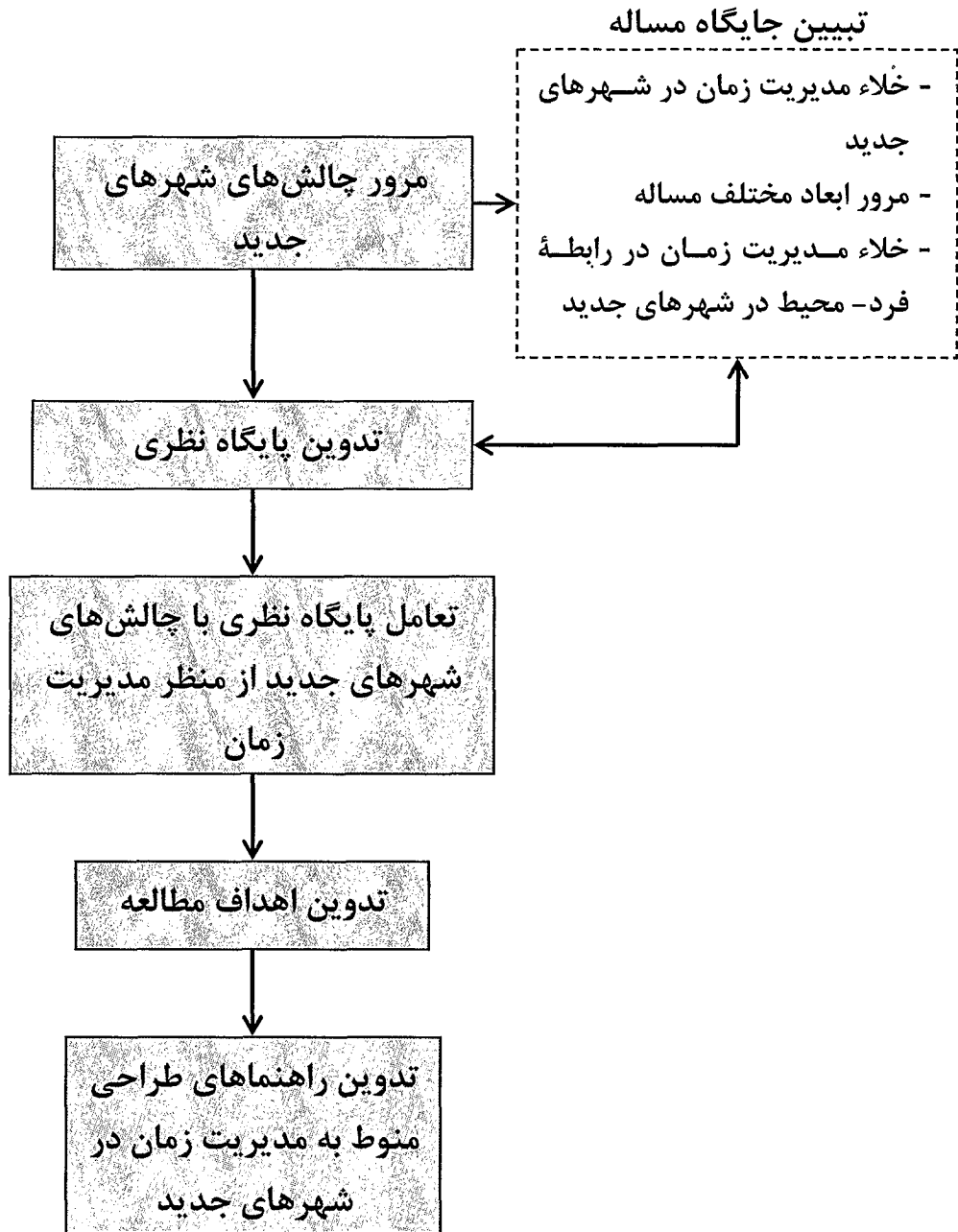
۳-۱) اهداف مطالعه

- آشنایی با مکانیزم تغییرات انسان و محیط در طول زمان
- آشنایی با مشکلات شهرهای جدید از دیدگاه نوع ارتباط برقرار کردن انسان با آنها
- آشنایی با مکانیزم ارتباط برقرار کردن انسان با یک محیط بی پیشینه
- نقش طراحی شهری در مدیریت زمان

۴-۱) ساختار مطالعه

در ابتدا منظور این پژوهش از تأثیرات زمان، مدیریت زمان و ابعاد مختلف آن را مطرح می کنیم. سپس برای بیشتر نزدیک شدن به موضوع، ابتدا به شناخت اجزاء آن خواهیم پرداخت. اجزاء اصلی این مطالعه را انسان و محیط به عنوان دو جزء اصلی رابطه تشکیل می دهند. یکی دیگر از اجزاء کلیدی این موضوع هم زمان می باشد، که هم تأثیرش را بر انسان و محیط به طور جداگانه و هم نحوه ادراک و حضورش را خواهیم دید. سپس از برهمکش این دو، تغییرات رابطه انسان و محیط در طول زمان و نحوه برقراری پیوند بین انسان و محیط در این شرایط خاص - یعنی همان شهر جدید- و عوامل مؤثر در ایجاد پیوند عمیق بررسی می شود. سپس با مروری کوتاه بر پدیده شهرهای جدید، به دلایل موفقیت و عدم موفقیت آن ها از منظر مدیریت زمان اشاره خواهیم کرد. در واقع تحلیل این شرایط را همراه با شناخت آن توأمآ پیش خواهیم برد. سپس با تدقیق مساله و تعیین سطح مداخله طراحی شهری به تدوین اهداف کلان و خرد و

سیاست ها خواهیم پرداخت. سپس با ارجاع به لایه های طراحی شهری، راهنمای طراحی شهری برای مدیریت زمان در شهرهای جدید ارائه خواهد شد.



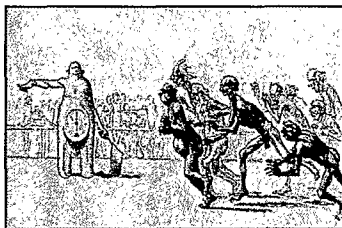
فصل دوم : زمان

- زمان و انسان
- زمان و محیط
- مدیریت زمان

۲-۱) زمان و انسان

۲-۱-۱) ادراک انسان از زمان

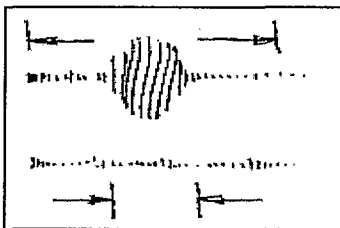
ادراک زمان برای انسان به دو صورت رخ می دهد، یکی از طریق تکرار ریتمیک مانند نفس کشیدن، خوابیدن و بیدار شدن، گرسنگی، تغییر فصول و... و یا از طریق تغییرات پیشرو و برگشت ناپذیر مانند افزایش سن، فرسودگی، رشد، تخریب و ... انسان پیوسته با موضوع زمان درگیر است و همواره به گذر آن توجه می کند و آن را می سنجد. در این دوران که دنیا با سرعت برق آسایی رو به حرکت دارد، ادراک انسان از زمان با مشکل رو به رو شده است و انسان نمی تواند گذر زمان را به درستی ادراک کند. در این رابطه لینچ (لینچ، ۱۹۷۲:۶۶) بین **زمان ذهنی و زمان واقعی** برای انسان تفاوت قائل می شود. زمان واقعی همان زمانی است که با ساعت سنجیده می شود و زمان ذهنی زمانی است که در ذهن انسان به نظر می آید گذشته باشد. این زمان الزاماً منطبق با زمان واقعی نیست و می تواند تندتر و یا کندتر بگذرد. به عنوان مثال حضور در یک محیطی که اتفاقات زیادی در آن جاری است آن قدر فرد را به خود جذب می کند که احتمالاً انسان متوجه گذر زمان نمی شود. بالعکس در محیطی که به خصوص جاذبه های تفریحی، گردشگری وجود نداشته باشد، فرد تنها به واسطه در اختیار داشتن یک قلمرو یا امکانات محدود، اوقات روز و سال خود را به سختی و به کندی می گذراند.



در نتیجه انسان برای آنکه بتواند به انجام امور زندگی خود رسیدگی کند، بایستی همواره این در زمان را بر هم انطباق دهد. این انطباق برای انسان بسیار اهمیت دارد و همانطور که اشاره شد به این طریق است که فرد می تواند به امور روزمره خود بپردازد. دقیق تر اگر بخواهیم بگوییم، ادراک زمان و دانستن زمان برای دانستن زمان صورت گرفتن فعالیت های مختلف محیط اهمیت دارد و برای هماهنگ کردن کارهای شخصی خود با دیگران و با فعالیت هایی که در محیط رخ می دهند اهمیت دارند. انسان موجود کنجکاوی است و همواره می خواهد که از اتفاقات اطراف خود مطلع گردد. محیط زندگی و محل سکونتشان هم از این قاعده مستثنی نمی باشد و در نتیجه به قول لینچ می خواهد بداند که " در این شهر چه می گذرد؟ "

۲-۱-۲) عادت های زمانی انسان

از طرف دیگر هر انسانی به عنوان عضوی از یک گروه، فعالیت های خود در محیط را به گونه ای خاص زمان بندی می کنند، پس در واقع زمان بندی های مختلف انسان در استفاده از یک مکان و انجام فعالیت های مختلف می تواند مشخصه آن گروه و نشان دهنده سبک زندگی آن ها باشد (لینچ، ۱۹۷۲: ۸۷). این گروه ها می توانند گروه های سنی باشند، مانند تفاوت زمان استفاده از عرصه های عمومی توسط جوانان و توسط کودکان، مانند زمان دور هم جمع شدنشان، استفاده از امکانات تفریحی و خدماتی که برای جوانان نامحدود و تا نیمه های شب هم به درازا می کشد، در حالیکه برای کودکان محدود به ساعت های روشنایی محیط است و همچنین محل استفاده هم متفاوت است. گروه های دیگری هم چون خانواده های قدیمی و متعصب و خانواده های جدید هم در بازه های زمانی متفاوتی از محیط استفاده می کنند. کارمندان، خانه دارها، کارکنان شرکت های خصوصی همه زمان بندی فعالیتی متفاوتی دارند.



پس همانطور که می بینیم با تکرار این فعالیت ها فرد می تواند گذر زمان را احساس کند و همین طور می توان زمان را پیش بینی کند. یعنی با توجه به دانستن زمان انجام دادن یک کار می تواند زمان واقعی را هم حدس بزند. پیش بینی زمان وقوع فعالیت ها هم بر اثر آشنایی انسان با آن محیط و تکرار تجارب مختلف در برخورد با محیط بدست می آید. در نتیجه درک یک ساکن با یک توریست یا غریبه درباره گذر زمان متفاوت است. اگر فرد با مکان آشنایی قبلی نداشته باشد یا نتواند آنچه را که در آن مکان با آن مواجه خواهد شد، پیش بینی کند و یا آن مکان ارتباطی با عادت های روزمره او در استفاده از زمان نداشته باشد، نمی تواند زمان ذهنی خود را با زمان واقعی منطبق سازد و یا حداقل بدین منظور نیاز به زمان دارد. در نتیجه مسکن است زمان واقعی را از دست بدهد و گذشته و حال و آینده خود را مخدوش بیابد.

۳-۱-۲) خطی بودن زمان

نکته دیگری که بایستی در اینجا به آن اشاره شود، ماهیت خطی بودن زمان است. منظور از خطی بودن هم پشت سر هم قرار گرفتن گذشته، حال و آینده است. ولی این سه زمان به یکدیگر وابسته اند و درک حال بی گذشته و بدون در نظر گرفتن آینده غیر ممکن است. زمان حال، زمان محدودی است، در حالیکه گذشته بسیار تفضیلی تر و پربارتر است و تا هر کجا که خاطرات خود و دیگران و داستان ها و روایت ها به ما اجازه بدهند می توان در آن به کنکاش پرداخت. آینده هم که هنوز دست نیافته است، در نتیجه تا هر کجا که قوه تخیل و دانش